

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

3900

۱۹۵۵

۴۶۹

هو سنه

www.ketab.ir

سرنشانه: شاعری زاده، جمشید، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: بالایشگاه آبادان حامی فراموش شده / مولف جمشید شاعری زاده، گردآورنده فریبرز توکلی.

مشخصات ظاهری: ۲۵۹ ص. مصور (رنگی)، جدول، نمونه.

شابک: ۷-۸-۹۸۵۳۸-۶۰۰-۹۷۸-۴۶۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: شرکت ملی نفت ایران. بالایشگاه آبادان -- کارکنان و کارمندان -- ارزیابی

موضوع: شرکت ملی نفت ایران. بالایشگاه آبادان -- کارکنان و کارمندان -- نمونه پژوهی

شناسه افزوده: توکلی، فریبرز، ۱۳۴۴ -، گردآورنده

رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۷ ش ۹۴ الف / HD۹۵۷۶

رده بندی دیویی: ۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۵

شماره ی کتابشناسی ملی: ۵۲۰۸۰۶۲

# فراق و تنگدست

پالایشگاه آبادان

جمشید شوری زاده

پالایشگاه آبادان حامی فراموش شده

مؤلف: جمشید شاورى زاده

گردآورنده: فریبرز توکلى

ناشر: میراث انبیاء علیهم السلام

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۳۸-۷-۸

## فهرست

اداره‌ی بهداری و بهداشت صنعت نفت ۲۲۳

اداره‌ی تعمیرات و خدمات ۲۴۳

امور اداری و مالی ۲۸۱

اداره‌ی حمل و نقل ۲۸۹

اداره‌ی تدارکات کارکنان ۳۰۷

اداره‌ی روابط عمومی ۳۱۹

نقش پالایشگاه در مدیریت شهر ۳۲۳

بررسی اسناد ۳۳۷

تعمیرات ۴۵۳

مقدمه ۷

اولین واکنش ۱۹

عملکرد مدیران وزارت نفت ۲۵

اعزام نیرو به جبهه ۳۷

اداره‌ی انشعابی ۵۱

اداره تعمیرات و نوسازی پالایشگاه ۸۳

مهندسی و ساختمان ۱۱۱

اداره‌ی سرویس‌های تخصصی ۱۳۷

اداره‌ی بهره‌برداری پالایشگاه ۱۵۵

اداره‌ی کالا ۱۶۵

اداره‌ی حراست ۱۹۳

اداره‌ی مخابرات پالایشگاه ۲۱۱

اداره‌ی مخابرات پالایشگاه ۲۱۱

### ❁ تشکر و قدردانی

قلباً بر این باوریم که تلاش و همکاری تک تک این عزیزان به نوبه ی خود در تکوین و تألیف و گردآوری مؤثر بوده است که بدینوسیله از ایشان تقدیر می گردد.

آقای فوادفره فرمانده وقت بسیج پالایشگاه آبادان؛ آقایان علی صالح پور، مهران ادیبی و نجادزاده از بسیجیان پالایشگاه و سعید رامی که در جمع آوری و دسته بندی اسناد همکاری لازم نموده اند. همچنین از راویان اتفاقات آقایان رضا ولی زاده، سید نورهاشمی، حمید شریعت جعفری، عبدالرضا حمدی اصل، احمد مصلی نژاد، محمد تیرانداز، حسین مرتضی زاده، احمد پاک نیا، جعفر سلطانی، حسن دی صحرا، شربتدار، جوهری پور، هادی دریس، نجفی، عباس دوستی نژاد، مجید قائدی، حسین صفری، مسیمر، حدیده، علیپور، قنبری، سلیمانی، غلامحسین زاده، سید ذهب هاشمیان، هدایتی و آقای پارسی نیا در طراحی و تنظیم جلد کتاب و جناب آقای عابدی در امور مرتبط با نشر.

در خاتمه انگیزه اصلی اینجانب در گردآوری و نشر این اثر همفکری و حمایت جناب آقای مدنی زادگان مدیر محترم سابق منابع انسانی شرکت ملی نفت ایران و جناب آقای علوی مدیر وقت آموزش مرکزی شرکت ملی نفت ایران می باشند که از ایشان بابت این امر جداگانه تشکر و قدردانی می شود.

فریبرز توکلی

## مقدمه

«حامی فراموش شده» شرح موجزی از هجران وادی مهجوری است، در انتهای ترین نقطه‌ی جنوب غربی کشور. همانی که در روزگاری نه چندان دور، سرآمد خون‌گرمی و نفت و فوتبال اخلاقمند بود با مردمانی فکور، صنعتگر، مهربان و پرنیّت. شهری به مثابه‌ی ایرانی کوچک به فراخیای سرزمین مادری با همه‌ی اقوام، گویش‌ها، فولکلورها و... که در مجموعه‌ای بی‌بدیل، رنگ زده بودند و به یک رنگ «آبادانی» درآمده بودند. درغنفلان شمیم‌رهایی، آنان که زیبایی و شادکامی دیگران را نمی‌خواستند و سهم ناحق خود را پایان یافته می‌دیدند، نفیری از آتش و دود بر خجستگی‌های آن دوانیدند که حاصل آن نه تنها حصر و ویرانی و حرمان هشت ساله بود، بلکه تا به امروز از این بیکر زخم بستر گرفته به خود می‌پیچید و توان برافراستگی قامت نیافته است. حامی فراموش شده، حکایت مردانِ مردی است که درباره‌ی حساس و تپنده، در جزیره آبادان ایستادند تا هم مادری کنند و هم مادر بمانند. پالایشگاه آبادان که تولّد و حضورش با اندکی کمتر از طول عمر اکشاف نفت در ایران، خود حکایتی مجزا و مفصل دارد، با کارکنان غیور و قهرمانش، همراه و همگام و در مردی حتماً پیش‌روتر از مدافعان شهر ایستادند و همانند یک دژ تسخیرناپذیر از آن دفاع کردند.

حامی فراموش شده که نگارنده آن در تمامی روزهای دهشتناک جزیره، حضوری میدانی و مشارکتی داشته است، اثری مستند، زنده و گویایی از نقش این وجود دیرپا و قهرمانان هم‌شه ماندگارش دارد. مطالعه این اثر به یادگاران ایام عمر، هم‌شهریان گران‌قدر، کارکنان پرتلاش صنایع نفت و همه‌ی عزیزانی که دل در گرو سربلندی ایران عزیز دارند توصیه می‌شود.

فریبرز توکلی

بهار ۱۳۹۷

## ❁ مقدمه مؤلف

در طول هفت هزار سالی که از هبوط حضرت آدم ابوالبشر بر روی کره‌ی خاکی می‌گذرد، انسان سال‌های اندکی را بدون جنگ و خونریزی در صلح و آرامش به سر برده است. به عبارتی دیگر جامعه‌ی بشری در اکثر این زمان بسیار طولانی، درگیر جنگ و خونریزی بوده است.

با کمی بررسی می‌توانیم به این نتیجه دست یابیم که در تمامی درگیری‌های نظامی، چهار گروه به صورت مستقیم تحت تأثیر جنگ قرار می‌گیرند: اول نیروی نظامی مهاجم، دوم نیروی نظامی مدافع، سوم غیرنظامیان وابسته به مهاجمین و چهارم غیرنظامیان وابسته به مدافعین. حال اگر به تاریخ جنگ‌ها گوشه نظری بیفکنیم، آنچه در ابتدای امر به چشم می‌خورد کاملاً بارز است. این است که در نگارش اغلب درگیری‌ها، به وضعیت دو گروه اول پرداخته شده است. مواردی از قبیل دلایل شروع تهاجم، اهداف تهاجم، زمان شروع حمله، شکل و نحوه‌ی عملیات، سرزمین‌های تسخیر شده، مدت زمان تسخیر، تعداد تلفات - البته با تفکیک نظامی یا غیرنظامی بودن مصدومان و جان باختگان - سلاح‌های به کار گرفته شده، نام قهرمانان نظامی که در پیروزی و شکست دو طرف نقش قابل توجهی داشته‌اند و... از جمله مواردی است که در اغلب این تاریخ‌ها ذکر می‌گردد.

نکته‌ی مهمی که در نوشتن تاریخ جنگ‌ها کمتر به آن پرداخته شده است، تأثیر دو گروه غیرنظامی است که سهم قابل توجهی از پیروزی یا شکست را بر عهده دارند. این گروه‌ها، به شکل محسوسی در معرض بی‌توجهی قرار دارند و از نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ی آن‌ها در تعیین سرنوشت نبرد غفلت شده است. چرا که همواره گروهی پیروز شده است که نسبت به گروه شکست خورده، از لحاظ مادی و معنوی از موقعیت برتری بهره‌مند بوده است. مثلاً داشتن روحیه‌ی بالا و پشتیبانی و حمایت از سوی غیرنظامیان، جنگجویان حاضر در میدان نبرد را در موقعیت بهتری نسبت به دشمن قرار می‌دهد. عامل اصلی تأمین تدارکات نیز نیروهای پشتیبانی هستند که در اغلب موارد، از گروه‌های سوم و چهارم یعنی وابستگان مهاجمین و مدافعین و غیرنظامیان می‌باشند.

وقتی کشوری مورد تجاوز قرار می‌گیرد، نیروهای مهاجم با استفاده از سلاح‌های خود، مواضع مدافعین را هدف قرار می‌دهند و گروه مدافع نیز در مقابل آن‌ها با استفاده از سلاح‌هایی که در اختیار دارد به دفاع می‌پردازد. فارغ از بحث تفاوت کتی و کیفی ادوات و تسلیحات طرفین، شرایط روحی رزمندگان در زمان درگیری بسیار مهم است و می‌تواند تا اندازه‌ی بسیار زیادی فاصله‌ها و عقب افتادگی‌های تسلیحاتی را جبران نماید.

مثلاً وقتی که گلوله‌ای از یک طرف به سوی دیگر میدان نبرد شلیک می‌شود، حس خوبی به تمامی جنگجویان این طرف میدان دست می‌دهد که نشان از برتری جناح آنان بر جناح مقابل دارد. چرا که با این شلیک، قسمتی از زخم‌های روحی آنان، که از ناحیه‌ی دشمن بر قلب ایشان وارد آمده است، التیام می‌یابد. و این حس زمانی شدت می‌یابد که نظامیان حاضر در میدان نبرد شاهد این صحنه بوده باشند که مناطق مسکونی خودی بارها و بارها توسط دشمن به خاک و خون کشیده شده و هموطنان و بی‌گناهان بسیاری از سوی دشمنی که اکنون در برابر آنان صف کشیده از بیر رفته‌اند. این احساس نفرت، هرچقدر که افزایش یابد، اهمیت آن شلیک گلوله را بیشتر و حساس‌تر می‌سازد.

برای تقویت این حس نفرت است که می‌بینیم معمولاً عبارتی با مضمون زیر در اطلاعاتی‌های بعد از عملیات درج می‌گردد:

«این عملیات به تلافی حرکات وحشیانه و غارتگری دشمن در هدف قرار دادن غیرنظامیان که مورد هدف سلاح‌های مرگبار قرار گرفته و نابود شدند، انجام شد.»

حال باید دید که نقش اساسی گروه سوم و چهارم در تعیین نتیجه‌ی نبرد چیست؟ علاوه بر مسأله‌ی روحیه و تجهیزات و تاکتیک‌های نیروهای نظامی حاضر در صحنه‌ی نبرد، عامل اساسی دیگری نیز در پیش برد اهداف نظامی و تعیین سرنوشت نبرد مؤثر است که خارج از صحنه‌ی درگیری هاست ولی مستقیماً در نحوه‌ی نبرد حاضران در میدان، تأثیر دارد و آن، «تدارک و پشتیبانی» است.

این نیروها به منزله‌ی رگ‌ها و شریان‌های تغذیه‌ای نظامیان بوده و وظیفه‌ی حیاتی خون‌رسانی به اعضای درگیر در میدان جنگ را بر عهده دارند. اگر لحظه‌ای در کار این افراد

وقفه بیفتد، تلفات و صدماتی در میدان نبرد متوجه نیروهای خودی خواهد شد که شاید هرگز قابل جبران نباشد.

لذا دشمن در برنامه ریزی های خود، به دنبال قطع این شریان های حیاتی و فاصله انداختن و اختلال ایجاد کردن در امر پشتیبانی است. بر همین اساس مراکز مهم پشتیبانی و تأسیسات زیربنایی طرف مقابل را مورد هجوم و حملات سنگین خود قرار می دهد تا آن ها را به کلی از کار بپندازد و نیروهای حاضر در میدان نبرد، به راحتی پیش روی کنند.

تفاوت اساسی نیروهای حاضر در میدان با نیروهای پشتیبان، در نوع دفاع آن ها در برابر حملات دشمن است؛ چرا که نیروهای حاضر در میدان، به صورت عامل می توانند حمله کنند، موقعیت خود را تغییر دهند و حتی عقب نشینی تاکتیکی کنند، اما نیروهای پشتیبان تنها باید در برابر حملات دشمن صبر کنند و با مقاومت در برابر هر نوع حمله ی سنگین دشمن، نگذارند که در امر پشتیبانی جنگ حلی وارد شود؛ و نهایت دفاعی که از این گروه برمی آید، مصون سازی یا بهره گیری از اقدامات پدافندی غیر عامل است که البته این امر نیز تنها در سال های اخیر مورد توجه و استفاده ی گسترده قرار گرفته است. در اینجا به منظور روشن تر شدن مطلب، دو مثال ذکر می کنیم.

همان طور که می دانیم خداوند برای حفظ سلامتی موجودات زنده، نوعی نیرویی دفاعی غریزی در وجود تک تک آن ها قرار داده است. مثلاً اراد در مواجهه با خطر، استتار کردن به منظور دیده نشدن، باز و بسته شدن برگ درختان در زمانی که در معرض تابش نور آفتاب یا رطوبت قرار گرفته اند برای اینکه میزان مورد نیاز نور و رطوبت را از محیط بگیرند و... از نمونه های این دفاع غریزی می باشد.

این دفاع غریزی، در رابطه با انسان در اشکالی مشابهی مانند بسته شدن ناخود آگاه پلک چشم در زمان نزدیک شدن شیء خارجی، پایین آوردن غیر ارادی سر برای جلوگیری از برخورد با اجسام، جلو آوردن دست ها برای جلوگیری از برخورد نواحی حساس بدن در مقابل ضربات، مثل سینه و سر و... کاملاً مشهود است.

هدف از ذکر توضیحات بالا اشاره به تشابهی است که بین دفاع غریزی انسان در مقابل

حوادث با نحوه‌ی دفاع غیرنظامیان در برخورد با خطرانی که در جنگ‌ها این گروه را تهدید می‌کند و در نحوه‌ی عملکرد دفاع از خود می‌باشد. چرا که غیرنظامیان نیز از روش‌هایی مشابه مکانیزم دفاعی غریزی برای دفاع از خود استفاده می‌کنند.

با ذکر مثال دیگری، تفاوت نحوه‌ی دفاع نظامیان و غیرنظامیان در مقابل حملات طرف مقابل بررسی می‌گردد. در اینجا میدان مبارزه به یک رینگ مسابقه‌ی مشت‌زنی تشبیه می‌شود که در مرحله‌ی اول هر دو حریف، نیروی مسلح نظامی هستند و ضربات مشت آن‌ها، سلاح‌هایی است که در جنگ استفاده می‌کنند؛ یعنی هر ضربه‌ی مشت‌ی که به سمت حریف پرتاب شود، همان گلوله‌ای است که در جنگ به سمت دشمن فرستاده می‌شود. لذا در این مبارزه‌ی مشت‌زنی طرفین، از تمام قدرت مشت خود، همراه با انواع و اقسام تاکتیک‌های موجود در به زمین انداختن رقیب استفاده می‌کنند.

نکته‌ی قابل توجه در این مبارزه، وضعیت روحی دو طرف مبارزه قبل و در حین درگیری می‌باشد؛ بدیهی است وقتی یکی از دو نفر در زیرگبار مشت حریف قرار می‌گیرد و مرتباً ضربات مشت بر سر، صورت و شکم او وارد می‌شود، علاوه بر احساس درد جسمی، از نظر روحی هم دچار مشکل می‌شود. یعنی همین‌که متوجه می‌شود توان تلافی این ضربات را ندارد، دچار ضعف روحی شدیدی شده که تأثیر ضربات وارده‌ی جسمی را بر او مضاعف می‌کند و حتی ممکن است قبل از آنکه توان جسمی فرد مغلوب، به طور کامل به پایان برسد، او را تسلیم نماید و دست از ادامه مبارزه بکشد. اما اگر حریف در مقابل هر ضربه‌ای که به سوی او پرتاب می‌شود، عین آن و یا بیشتر از آن را به سمت حریف بفرستد، نوعی آرامش روحی که او را رفته‌رفته به پیروزی امیدوارتر می‌کند، برایش ایجاد نموده و باعث می‌شود که آسیب‌هایی که بر اثر اصابت مشت حریف به او وارد می‌شود، ولو با وجود قدرت تخریبی بالا، اثر کمتری در او داشته باشد. این احساس تنها از طریق توان «تلافی کردن» در روحیه‌ی او به وجود آمده است. به عبارتی دیگر او در مقابل هر ضربه‌ای که دریافت نموده، ضربه‌ای قوی‌تر به حریف وارد کرده و از این بابت، در اوج خوشنودی به سر می‌برد.

در درگیری‌های نظامی هم که در یک سمت، نیروی مسلح نظامی مهاجم و در مقابل آن‌ها

نیروی مدافع غیرنظامی، رودر روی یکدیگر قرار دارند، مقررات مشابهی وجود دارد؛ با این تفاوت که نیروی نظامی برای ضربه زدن به حریف از مشت‌های خود به‌طور کامل استفاده کرده و هر قسمت از بدن حریف را که تشخیص دهد، هدف ضربات خود قرار می‌دهد و برای به زمین انداختن او از تمام توان و تلاش خود استفاده می‌نماید، ولی نیروی غیرنظامی مدافع، نمی‌تواند هیچ ضربه‌ای به حریف وارد کند؛ چرا که سلاحی در اختیار ندارد و دستش خالی است. حال که طرف نظامی مجاز به استفاده‌ی کامل از مشت‌هایش می‌باشد، پس طرف غیرنظامی که نمی‌تواند هیچ‌گونه ضربه‌ای به حریف وارد نماید، پس چگونه باید در مقابل حریف مقاومت کرده و حتی پیروز شود؟! جواب این است که نیروی غیرنظامی در این مبارزه تنها مجاز به اتحاد تاکتیک‌های دفاعی است و اگر بتواند با مقاومت در برابر حملات پیاپی حریف، عزت او را در هم شکسته و او را خسته نماید، به پیروزی نزدیک می‌شود. مثلاً باید با گرفتن گارد بسته در مقابل ضربات مشت حریف، از برخورد ضربات او به نقاط حساس خود جلوگیری نماید<sup>۱</sup> و یا با تغییر موضع، مرتباً خود را از آماج حملات او در امان نگه دارد. او در این روش مبارزه، آن قدر صبر می‌کند و از خود استقامت نشان می‌دهد که در نهایت حریف خسته شده و با از دست دادن خود، چه از نظر فیزیکی و چه روحی، مبارزه را واگذار می‌کند.

نحوه‌ی دفاع غیرنظامیان در مواجهه با بمباران و گلوله‌باران دشمن دقیقاً از همین جنس است. زیرا این گروه هیچ سلاحی به جهت مقابله به‌مثل در اختیار نداشته و در این میدان تنها می‌توانند تأثیر فیزیکی حملات طرف مقابل را کم یا خنثی نمایند.

نکته‌ی دیگر آن است که نیرویی در جنگ پیروز است که علاوه بر دارا بودن امکاناتی مانند برتری تسلیحات، در اختیار داشتن نیروی انسانی کارآموده، کثرت نیروی رزمی، استقرار در نقاط سوق الجیشی و دیگر برتری‌ها، از روحیه بالاتری هم نسبت به طرف مقابل برخوردار باشد. با توجه به این نکته در می‌یابیم که در اغلب پیروزی‌ها، برتری روحی نقش شگرفی نسبت به بقیه‌ی عوامل داشته است.<sup>۲</sup> نقطه‌ی قانونی ارتقای روحیه‌ی نیروهای نظامی و غیرنظامی یک

۱. این مورد در جنگ‌ها به صورت واقعی با نام پدافند غیرعامل شناخته شده و کارهایی مانند سنگر سازی و استتار را شامل می‌شود.

۲. مقاومت سی و هشت روزه رزمندگان اسلام در جریان تجاوز ارتش عراق در ابتدای جنگ در خرمشهر این مطلب را اثبات می‌کند زیرا ارتش عراق با برتری کامل نظامی خود و با شناخت نقاط ضعف ارتش ایران در آن برهه در حالی که کلیه کارشناسان نظامی آن

جبهه، تلاش‌هایی است که در پشت میدان نبرد اتفاق افتاده و می‌تواند نتیجه‌ی درگیری را تغییر دهد. یعنی «گروه پشتیبانی» تزریق‌کننده‌ی معجون روحیه‌ی برتری به نیروهای رزمی است و با حضور مداوم خود در عرصه‌ی پشتیبانی و خدمت‌رسانی به میدان نبرد و آسیب‌دیدگان، می‌تواند سهم به‌سزایی در بالا بردن روحیه‌ی همگان داشته باشد. به عبارت دیگر بزرگ‌ترین گزینه در پیروزی یا شکست نیروهای رزمی و غیررزمی، سطح روحیه‌ی آن‌هاست. اگر روحیه‌ی بالا در نیروهای مسلح، یک فاکتور مهم و بارز است، در نتیجه این مسئله درباره‌ی نیروهای پشتیبان نیز صادق است و آنان نیز نیازمند ارتقای کیفی روحیه‌ی خود در برابر حملات دشمن هستند؛ با این تفاوت که وظیفه‌ی تقویت روحی نیروهای نظامی، کاملاً به عهده‌ی گروه پشتیبانی غیرنظامی می‌باشد ولی بار اصلی در حفظ روحیه‌ی نیروهای پشتیبان، بر دوش خودشان است. یعنی مسئولیت نیروهای پشتیبانی مضاعف است و آن‌ها هم می‌باید روحیه‌ی خود را در سطح بالایی نگه دارند و هم از پایین آمدن روحیه‌ی نیروهای مسلح جلوگیری نمایند.

نتیجه آنکه گروه‌های پشتیبانی، باید از نظر روانی خیلی قوی‌تر از نیروهای مسلح باشند و اراده‌های پولادینی داشته باشند تا به این روش‌ها شکستند و از میدان به در نروند. این در حالی است که وقتی سخن از روحیه‌ی بالایی یک جبهه به میان می‌آید، تنها صحبت از نیروهای رزمی بوده و در اغلب این وقایع، اشارات بسیار کمی به طرف اصلی، یعنی غیرنظامیان و نیروهای پشتیبان می‌شود.

### ❁ هدف از تشکیل نیروهای مسلح

گفتیم که از دیرباز اجتماع دو چیز عامل اصلی تمامی جنگ‌ها و خون‌ریزی‌هاست: حرص سیری‌ناپذیر انسان در به دست آوردن امکانات مادی و عدم دستیابی او به تمامی ارزش‌های وجود این دو مسئله، باعث شد که فکرهاجم به دیگران برای به دست آوردن امکانات بیشتر در ذهن‌ها نقش ببندد. با اولین دست‌اندازی‌ها بود که طرف‌های مقابل تهاجم، منافع خود

---

روز دنیا فتحی آسان و سریع در کمتر از سه روز برای این ارتش مجهز انتظار داشتند ولی به دلیل روحیه بالایی نیروهای اسلام دشمن پس از سی و هشت روز آن‌ها با تلفات بسیار زیاد توانست تنها نیمی از این شهر را به تصرف خود در آورد.

را در خطر دیده و به فکر این افتادند که از منافع خود در مقابل تجاوزات دیگران حفاظت و دفاع نمایند. این مسأله وقتی به سطح کشورها و ملت‌ها کشیده شد، موجب پیدایش نیروهای نظامی و ارتش‌های مهاجمین و مدافعین گردید. چون منافع گروهی در خطر حمله‌ی بیگانگان بود و افراد مورد هجوم نیز نمی‌توانستند به‌تنهایی از منافع خود دفاع نمایند، لذا ملت‌ها پذیرفتند که با صرف هزینه‌هایی نیروهای مسلح را تشکیل دهند تا امنیت و منافع خود را حفظ نمایند.

الله با گذشت زمان و پیشرفت همه‌جانبه‌ی جوامع بشری در تمام سطوح، از رشد روز افزون جمعیت گرفته تا افزایش ثروت و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، نحوه‌ی تهاجم و دفاع نیز دچار دگرگونی‌های زیادی شد و هزینه‌های سرسام‌آوری را به کشورها متحمل نموده است. به‌هرحال، وظیفه‌ی اصلی نیروهای مسلح در زمان صلح این است که بازدارندگی داشته و دشمنان را از فکر تجاوز منصرف سازند؛ مثلاً با انجام رزمایش‌های پی‌درپی و با در اختیار داشتن بهترین سلاح‌ها، به‌عنوان سرمایه‌ی رزمی دست یابند تا در زمان مناسب از منافع مملکت خود حمایت کنند.

نکته‌ی مهم اینجاست که این نیروها در زمان صلح فقط هزینه‌بر هستند ولی باز هم ملت‌ها با رضایت کامل تمام هزینه‌های آنان را پذیرفته و پرداخت می‌کنند. حتی اگر این هزینه و سرمایه‌گذاری ده‌ها سال به‌طول انجامد و در طی این زمان طولانی، یک‌بار هم نیازی به انجام وظیفه‌ی جنگی نباشد و هزینه‌ی اداره آن‌ها در موارد کم‌رشد هم باشد، باز هم ملت‌ها زیر بار انحلال ارتش‌های خود نمی‌روند.

به‌هرحال ارتش در زمان صلح مصرف‌کننده‌ای بیش نبوده و مابقی آحاد جامعه با کار و تلاش و اختصاص قسمتی از درآمد خود، در سالیان متمادی از آن حمایت می‌کنند تا در روز مبادا انجام وظیفه کنند. ولی شرایط این مصرف‌کنندگان، در زمان جنگ کاملاً متفاوت می‌شود. یعنی وقتی دشمن به مرزهای کشور تجاوز نمود و یا بنا به دلایلی نیاز به تهاجم به مرزهای کشور دیگری پیش آمد، این نیروهای مسلح هستند که به‌سرعت وارد معرکه شده، ابتکار عمل را به‌دست گرفته و به وظایف از پیش تعیین‌شده‌ی خود عمل می‌نمایند.

حال اگر هزینه‌های مادی و معنوی صرف شده به جهت آمادگی این ارتش، طی سالیان متمادی با برنامه، منظم و کافی بوده باشد، می‌توان اطمینان داشت که این نیروها به خوبی می‌توانند از عهده‌ی وظایف محوله برآیند؛ در غیر این صورت، نه تنها تمامی هزینه‌های صرف شده از بین می‌رود، بلکه منافع ملی کشور که در آماده‌سازی و تدارک ارتش خود نسبت به دشمن کم‌کاری کرده‌اند به خطر افتاده و خسارات سنگین و جبران‌ناپذیری چه در ابعاد مادی و چه معنوی به بار می‌آورد؛ که در بعضی موارد، شدت این خسارات به حدی است که دیگر قابل جبران نیست.

با مطالعه‌ی تاریخ در می‌یابیم که در ادوار گذشته، ممالک زیادی بوده‌اند که به دلیل شکست در جنگ‌ها به طمر کلی از بین رفته و از نقشه‌ی جغرافیا محو شده‌اند؛ و امروز تنها نامی را در صفحات کتاب تاریخ اشغال کرده‌اند و هم‌اکنون کوچک‌ترین اثری از آنان باقی نمانده است.

اما ملتی که غیور است چنین سرنوشتی نخواهد داشت. چرا که حفظ آب و خاک و مرزهای جغرافیایی مملکت از مهم‌ترین دغدغه‌های آن ملت است. لذا به هر میزان که وحدت و عرق ملی وجود داشته باشد، غیرنظامیان در جنگ‌های مغلوبه نقش ایفا خواهند کرد. مثلاً اگر ارتش در برخورد با دشمن شکست بخورد، مردم عادی و غیرنظامی که در زمان جنگ به طور مستقیم وظیفه‌ای ندارند، خودشان احساس وظیفه نموده و به منظور حفظ آب، خاک، ناموس، دین و عقیده‌ی خود، اسلحه به دست گرفته و به میدان رزم می‌روند.

هر چند که کیفیت رزمی نیروهای مردمی، به هیچ وجه قابل مقایسه با کیفیت نظامی نیروهای رزمی دشمن نیست، ولی روحیه‌ی بالای آن‌ها در دفاع از کیان مملکت مؤثر، بسیار مؤثر است. لذا هرگاه غیرنظامیان مجبور به دخالت مستقیم در جنگ‌ها شده‌اند، برگ‌های رزمی از رشادت و حماسه را در تاریخ ثبت نموده‌اند.

نکته جالب دیگر اینکه وقتی غیرنظامیان به مقابله با نیروهای ارتش منظم و کلاسیک می‌پردازند در بسیاری از موارد آن ارتش‌ها، در نحوه‌ی برخورد با آنان دچار سردرگمی و گیجی می‌شوند. زیرا آن‌ها در تمرینات متمادی خود، وقت کمی را به منظور برخورد با

نیروهای غیرنظامی صرف می‌کنند، لذا در چنین میدان‌هایی ناکارآمد بوده و با وجود برخورداری حداکثری از ادوات رزمی، در بسیاری از جنگ‌ها شکست‌های سنگینی را متحمل شده‌اند.<sup>۱</sup> خلاصه آنکه بررسی عملکرد و مشاهده‌ی نتایج متعدد دخالت نیروهای غیرنظامی پشتیبان، در همه‌ی رده‌ها، چه به عنوان عامل قطعی در تدارک و پشتیبانی نیروهای رزمی و چه به عنوان نیروی نظامی اسلحه به دست غیررسمی در نبردهای مستقیم، ما را به این نتیجه می‌رساند که اصلی‌ترین عامل در تعیین شکست‌ها و پیروزی‌ها همین نیروها هستند.

شاید مهم‌ترین عامل در ایجاد يك ارتش این باشد که هیچ کشوری نباید از حمله‌ی دشمنانش غافلگیر شود، اما متأسفانه در طول تاریخ چند هزار ساله‌ی ایران، مواردی را می‌بینیم که به دلایل مختلف در بعضی از برهه‌ها که این مملکت مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته است، ارتش ما نیز غافلگیر شده و خساراتی سنگینی به مردم این آب و خاک وارد شده است. از نمونه‌های این غافلگیری‌ها و ناکارآمدی‌ها، می‌توان به تهاجم اسکندر مقدونی در زمان داریوش سوم شاه هخامنشی، هجوم مغولان در دوران سلطنت خوارزمشاهیان، هجوم افغان‌ها در دوره شاه سلطان حسین صفوی، تصرف خاک ایران در زمان جنگ جهانی اول توسط قوای انگلیس در دوران قاجار، تصرف مجدد خاک ایران در زمان جنگ جهانی دوم توسط متفقین و همچنین هجوم ارتش عراق در جنگ هشت ساله تحمیلی یاد کرد.

در تمامی این موارد درست است که نیروی نظامی ایران به دلایل مختلف، غافلگیر شده و کارایی لازم برای برخورد با دشمن را نداشته است، اما در تمام این تهاجمات مردم عادی و غیرنظامیان با ایجاد تشکلهایی خودجوش و بعضاً تحت آموزش با فرماندهی برخی از ارتشیان، به دفاع مستقیم در مقابل نیروهای متجاوز پرداخته‌اند که شرح این دلالت‌ها در جای جای

۱. مقاومت جانانه نیروهای ایرانی به فرماندهی سردار بزرگ هخامنشی آریوبرزن که بیشتر سربازانش از مردم عادی بودند، در مقابل قوای متجاوز اسکندر مقدونی در نزدیکی شیراز.  
قیام سربداران در مقابل ارتش مغول در زمان تصرف خاک ایران به دست مغولان که تمامی آن‌ها نیز از شهروندان غیرنظامی و عادی بوده‌اند.

دلالتی مردم تنگستان در مقابله با ارتش انگلستان در زمان قاجاریان به فرماندهی رئیس علی دلواری.  
مقاومت مردمی ۸ سال دفاع مقدس که نیروهای مردمی ضربات شکننده‌ای به ارتش قدرتمند عراق در این جنگ وارد آوردند.  
مقاومت دلیرانه مردم کشور یوگسلاوی با نام پارتیزان در مقابل ارتش متجاوز آلمان نازی.  
مقاومت دلیرانه مردم لیبی در مقابله با ارتش متجاوز ایتالیا به فرماندهی عمر مختار.  
مقاومت دلیرانه مردم غزه و لبنان در رویارویی با ارتش اسرائیل.

تاریخ این مرز و بوم ثبت شده است. چرا که وقتی کلیت یک ملت در خطر قرار دارد و نیروهای نظامی او توان رویارویی با مهاجم را ندارند، این غیرنظامیان هستند که با تغییر شرح وظایف خود، به کمک ارتش شتافته و به رویارویی مستقیم با دشمن می‌پردازند. با این توضیحات، نقش بلا منازع غیرنظامیان و بسیج عمومی، در تعیین سرنوشت جنگ مشخص می‌شود. کتاب پیش‌رو به توضیح نقش و عملکرد کارکنان پالایشگاه آبادان، یکی از پشتیبانان غیرنظامی جبهه‌های نبرد در هشت سال جنگ عراق علیه ایران می‌پردازد که در آن سعی شده به کمک اسناد باقیمانده از زمان جنگ، دورنمایی از عملکرد این سازمان غیرنظامی در راستای پشتیبانی از اهداف نظامی در جنگ هشت ساله ارائه دهد. این اثر همچنین سعی دارد که تصویر خوانندگان را درباره‌ی میزان اهمیت پشتیبانی این نهاد که به گستردگی اکثر جغرافیای اقتصادی جنگ بود، اصلاح نموده و به واقعیت نزدیک سازد؛ چرا که اگر مقاومت جانانه و مجموعه خدمات، تدارکات و پشتیبانی کارکنان پالایشگاه آبادان در تمام بخش‌های مورد نیاز جبهه نبود، شاید امروز تاریخ و جغرافیای جنگ، در بخش جبهه‌های جنوب به شکلی دیگر نوشته و ترسیم می‌شد.

این در حالی است که متأسفانه پس از گذشت سال‌ها از پایان جنگ، خدماتی که کارکنان مخلص و جان برکف پالایشگاه آبادان در درازن آتش و خون ارائه نمودند، مخفی مانده و در زیر غبار زمان مدفون گشته و به ندرت از آن یاد می‌شود.

از خداوند متعال می‌خواهم که به من قدرت دهد تا بتوانم در این کتاب با مرور عملکرد برجسته‌ی کارکنان پالایشگاه آبادان در تاریخ دفاع مقدس، الگویی از مدیریت بحران را نیز در اختیار مدیران و محققان امروز قرار دهم. باشد که با تأمل در آن، نحوه‌ی برخورد با مشکلات در سخت‌ترین شرایط، آن‌گونه که مسئولین وقت در وزارت نفت و کارکنان پالایشگاه آبادان با نظم و همدلی به کار بسته و حماسه‌ای بزرگ را رقم زدند، امروز نیز به کار آید و موجب رشد و بالندگی این سرزمین مقدس شود.

در این کتاب عملکرد کارکنان پالایشگاه آبادان در قالب ادارات زیرمجموعه این پالایشگاه، به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.